

تأثیر باور به معاد در سبک زندگی با محوریت سوره غافر

معصومه آعبداله^۱

مجید معارف^۲

چکیده

زمینه و هدف: اهتمام قرآن کریم در سوره مبارکه غافر به ویژگی‌ها و ابعاد معاد، افزون بر اینکه نشان از اهمیت ویژه مسئله معاد دارد؛ خود نیز بستری مهم در تدوین و ارائه نوعی سبک زندگی با اصول مختص به خود است. در این آیات، اصول تربیتی بیان می‌شوند و هرکدام از این اصول در تبیین و تدوین سبک زندگی حیات طیبه جایگاه خاص خود را دارد؛ این اصول عبارت‌اند از محبت، آینده‌نگری، بازدارندگی، نظارت‌مداری، کمال‌طلبی، جاودانگی، منفعت‌طلبی، دفع ضرر محتمل، امید، تصویرسازی، نوع‌دوستی، تبشیر، انذار. انذارهای و حیانی در باب معاد و بشارت به وعده‌های بی‌انتهای الهی انسان هدفمند را و می‌دارد تا به کاری بپردازد که در مدت کوتاه عمر با کمترین سرمایه به بالاترین سود دست یابد.

روش: این مقاله با روش توصیفی و با رویکرد درون دینی انجام گرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از آن است که ساختار مقاله در سه بخش کیفیت برپایی قیامت، عاقبت خوبان و عاقبت بدان ارائه شده است و فرجام نیک از آن متقین است.

واژه‌های کلیدی: معاد، غافر، سبک زندگی، اصول تربیتی.

۱. دانشجوی دکتری الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی HM.Aabdollah@gmail.com

۲. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). maaref@ut.ac.ir

مقدمه

شرایع آسمانی، همگی در لزوم ایمان به جهان آخرت اتفاق نظر دارند. عموم پیامبران، همراه دعوت به توحید، از معاد سخن گفته و ایمان به جهان آخرت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند؛ در دین اسلام نیز بر اعتقاد به قیامت به‌عنوان یکی از ارکان ایمان تأکید بسیاری شده است: «إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»!

قرآن کریم به روشنی از زندگی پس از مرگ و جاودانگی انسان سخن می‌گوید و از جمله اهداف این تأکید، برانگیختن آن حس منفعت‌طلبی و تدبیر آئیه‌ی محتمل است و با تشریح، تأکید و انذار نسبت به این مسئله که مرگ دنیایی پایان راه نیست با ایجاد انگیزه‌ای مضاعف در انسان، او را مجاب می‌کند تا توشه‌ی راه ابدی را در فرصت دنیایی خود فراهم آورد. باور به اصل بنیادی معاد، یک نوع سبک زندگی خاص را پایه‌ریزی می‌کند؛ زیرا باید‌ها و نباید‌هایی که اعتقاد به معاد در انسان ایجاد می‌نماید، ساختاری خاص در مسیر زندگی را ایجاد می‌کند و این ساختار در کنار ساختارهای دیگری که اصول دیگر دین برای فرد ایجاد می‌نمایند، سبب ایجاد سبک زندگی خاص دین اسلام می‌شوند. این جستار در پی آن است تا با احصای ساختارهای بیان‌شده در سوره‌ی غافر، الگویی را که اعتقاد به معاد در سبک زندگی انسان ایجاد می‌کند، ترسیم کند.

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها، آن‌چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن‌ها وجود ندارد. بدیهی است که هیچ‌کنش و واکنش انسانی نمی‌تواند در خلأ و بدون ضابطه‌ای مشخص آغاز و بی‌هدف پایان پذیرد. رفتارهای یکسان زیادی می‌توان یافت که خاستگاه واحدی ندارند، با منظوره‌های متفاوتی انجام می‌شوند و احتمالاً نتایج مختلفی نیز به بار می‌آورند. امر تربیت که یکی از زمینه‌های مهم در مناسبات انسانی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. ارائه‌ی تعریفی نسبتاً جامع از اصل، مبتنی بر شناخت روابط موجود میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نظام تربیتی است؛ اصل دارای

۱. غافر، ۵۹.



ماهیتی هنجاری و ناظر به «باید» هاست؛ از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست» هاست، متفاوت است (هوشیار، ۱۳۲۷: ۱۶؛ باقری، ۱۳۶۸: ۶۸؛ شریعتمداری، ۱۳۶۷: ۱۱).

تحلیل آیات قیامت در سوره غافر

در سوره غافر به مسئله قیامت از وجوه مختلف پرداخته شده است که تحلیل معنایی این آیات برای ایجاد دسته‌بندی و احصای ساختارهای موجود در رابطه با الگوی سبک زندگی ضروری است، در جدول (۱)، ۳۰ آیه از این سوره که مستقیماً به مسئله قیامت اشاره دارند، دسته‌بندی شد و مؤلفه‌های مهم آیات جهت مقوله‌بندی در تحلیل اصلی در بخش توضیحات ارائه گردید.

جدول (۱) مقوله‌بندی مفهومی آیات

آیه	توضیحات
غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)	بازگشت به آخرت/ آمرزش گناه/ عقوبت سخت/ وجود نعمات
وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)	اعمال حکم/ دسته‌ای به نام جهنمیان
الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ... (۷)	تسبیح حاملان عرش/ طلب مغفرت برای مؤمنان/ عذاب؛ ویژگی جهنم
رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَ... (۸)	دسته‌ای به نام صالحان/ بهشت سرای صالحان/ جاودانه بودن بهشت
وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقَى السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)	حفظ از عقوبات/ حفظ از عقوبات رحمت است/ رحمت؛ کامیابی بزرگ
رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ... (۱۵)	وحی می‌فرستد تا مردم را از روز قیامت بترساند
يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ... (۱۶)	روز آشکارسازی همه کس و همه چیز/ فرمانروای آن‌روز خداست

پاییز باور به معاد در سبک زندگی با محوریت سوره غافر

آیه	توضیحات
الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷)	آن روز جزای می دهند/ به کسی ستمی نمی رود/ سرعت در حسابرسی
وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ... (۱۸)	ستمکاران در آن روز فریادرس و شفیع ندارند
وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بَشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ... (۲۰)	داوری بر اساس حق است
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ... (۲۲)	خدا انکار کنندگان آیات پیامبران را سخت عقوبت می کند
وَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)	فریادخواهی در روز قیامت از یکدیگر
يَوْمَ تُولُونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)	در قیامت کسی از عذاب در امان نیست/ گمراهان هیچ راهنمایی ندارند
يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹)	آخرت سرای بقا است
مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... (۴۰)	عمل و عکس العمل/ مؤمن با عمل صالح به بهشت می رود/ روزی بی حساب
النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَذْخَلُوا آءَالَ فِرْعَوْنَ... (۴۶)	عرضه آتش بر اهل دوزخ/ روز قیامت و سخت ترین عذابها
وَ قَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِحَزَّتِهِ جَهَنَّمَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ (۴۹)	اهل دوزخ درخواست کاهش عذاب می کنند
قَالُوا أَوْ لَمْ تُكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَاذْعُوا وَ مَا دَعُوا... (۵۰)	دعا در قیامت/ دعای کافران تباه می شود
إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)	مؤمنان در روز قیامت یاری می شوند
يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۵۲)	در قیامت پوزش سود ندهد/ نصیب جهنمیان لعنت و سرای بد است
إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَآكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹)	در وقوع قیامت تردیدی نیست/ بیشتر مردم ایمان نمی آورند

آیه	توضیحات
وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي... (٦٠)	سرکشان از بندگی خدا با خواری به جهنم داخل می شوند
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَ بَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (٧٠)	تأکید بر یک واقعه زود هنگام
إِذَا الْأَعْلَالُ فِي أَعْتَابِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (٧١)	غُلها به گردن جهنمیان/ با زنجیر می کشانندشان
فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (٧٢)	جهنمیان در آب جوشان/ در آتش، افروخته می شوند
ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (٧٦)	جهنم ابدی است/ جایگاه سرکشان، جایگاهی بدی است
فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّيكَ بِعِضِ الدَّيِّ نَعُدُّهُمْ أَوْ تَنفِقِينَ... (٧٧)	صبر بر وعده خدا/ بازگشت به سمت خدا
فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٨٣)	مسخره کردن آیات روشن خدا
فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ حُدَّه وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (٨٤)	ایمان آوردن بعد از رویت عذاب فایده ای ندارد
فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ... (٨٥)	کافران در قیامت زیان می کنند

با بررسی و تحلیل مفاهیم آیات بیان شده در جدول (۱) به سه دسته کارکرد آیات قیامت با ساختارسازی خاص خود در سبک زندگی و درعین حال متصل به یکدیگر مواجه می شویم که هر سه دسته تأکید بر مسئله انذار و تبشیر دارند و همگی به دنبال ایجاد انگیزه برای عمل یا بازدارندگی هستند که هر یک آثار تربیتی خود را دارد که منجر به روش زندگی خاص خود خواهد شد. این سه دسته عبارت اند از: کیفیت برپایی، پایان بهشتی، پایان جهنمی.

اساس تربیت دینی بر محور برانگیختن حب و علاقه انسان و ایجاد وابستگی و تعلق خاطر در او شکل می گیرد. ایجاد و پرورش حس تعلق، اشتیاق و عشق به خدا و در نتیجه به خلق او و نفرت و انزجار از شیطان و مظاهر او وظیفه اصلی تربیت دینی به شمار می آید؛ آنچه در اصل محبت محوری مطرح می شود، میدان داری گرایش های قلبی و اولویت عشق ورزی و راز

و رمزهای آن بر استدلال‌های بی‌طراوت عقلانی و افراط‌های بی‌روح عملی است. (گیسلر، ۱۳۷۵: ۲۵-۳۰؛ جیمز، ۱۳۶۷: ۲۴-۲۵). در بسیاری از آیات قرآن، تبیین ارتباط انسان با خداوند یا بالعکس بر اساس دوستی و محبت، شکلی کاملاً متفاوت از روابط حاکم در دیگر گستره‌های ارتباطی به خود گرفته است. مفهومی که حکایت از عشق متقابل خلق و خدا می‌کند، همان مفهوم محبت و عشق‌ورزی است که بیانگر کیفیت ارتباط دوجانبه انسان و خدا است و از باب همین اصل تربیتی است که خالق، آگاهی نسبت به شداید و سختی‌های پیش روی خلق را پیش از موعد مقرر برایش بازگو می‌نماید تا او راه را از چاه بازشناسد. آیات دسته اول «کیفیت برپایی» بر این مسئله تأکید دارد.

آیات کیفیت برپایی

بازگشت به آخرت حتمی است^۱ و نه تنها در وقوع قیامت تردیدی نیست^۲ بلکه تأکید بر یک واقعه زود هنگام است^۳؛ فرمانروای آن روز خداست^۴ کیفیت آن روز آشکارسازی همه چیز است^۵ و نتیجه این آشکارسازی، رسیدن به جزای اعمال است^۶؛ زیرا هر عملی را عکس‌العملی است^۷؛ ویژگی آن روز بدین صورت است که در جزا دادن به کسی ستمی نمی‌رود^۸ و داوری بر اساس حق است^۹ و حسابرسی از سرعت بالایی برخوردار است^{۱۰} و در پایان نیز بدون هیچ درنگی احکام اجرا می‌شود.^{۱۱}

سال شانزدهم - شماره ۵۱ - زمستان ۱۳۹۸

۱. غافر، ۳.

۲. غافر، ۵۹.

۳. غافر، ۷۰.

۴. غافر، ۱۶.

۵. همان.

۶. غافر، ۱۷.

۷. غافر، ۴۰.

۸. غافر، ۱۷.

۹. غافر، ۲۰.

۱۰. غافر، ۱۷.

۱۱. غافر، ۶.

در واقع، الله باری تعالی به واسطه اصل محبت نسبت به آگاه‌سازی انسان عمل کرده و با تأکید بر حتمی بودن قیامت در آیات و نبودن تردید در این واقعه، بر ویژگی آینده‌نگری که در وجود انسان است توجه داده است تا با زنده کردن این حس، بتواند انگیزه‌ای در راستای حرکت انسان در مسیر صراط مستقیم ایجاد نماید. در آیه سوم از سوره غافر بعد از کلمه «علیم» اسم‌های چهارگانه: «غَافِرِ الذَّنْبِ، قَابِلِ التَّوْبِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ وَ ذِي الطُّوْلِ» را آورده تا اشاره کرده باشد به اینکه اساس تنزیل این کتاب که مشتمل بر دعوت حق است و دعوت حق هم مبتنی بر علم (و محبت) است، مبنی بر آن حقایقی است که مضامین این اسما اقتضای آن را دارد؛ مقتضای غَافِرِ الذَّنْبِ و قَابِلِ التَّوْبِ بودن خدا، این است که هر فردی را که لیاقت و استعداد آمرزش و قبول شدن توبه را داشته باشد بیامرزد و توبه‌اش را قبول کند و مقتضای اینکه او شَدِيدِ الْعِقَابِ است، نیز این است که هر کس را که مستحق عقاب است عقاب کند؛ ناگزیر مقتضای این معنا آن است که مردم را به سوی صراط سعادت هدایت فرماید، همچنان‌که خودش فرموده است: «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ»^۱ و نیز: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ»^۲؛ او می‌داند که خلقش به دعوتی نیازمندند تا به وسیله آن، در دار قرار از برکات آن دعوت منتفع شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۶۱).

در ادامه با تأکید بر این مسئله که همه‌چیز هویدا خواهد شد، به ایجاد یک عامل بازدارنده در انسان توجه کرده است؛ زیرا انسان در همه زمان و مکانی اسراری برای خود دارد که از بازگو شدن آن به هزاران دلیل روانی، مالی، آبرومندی و ... امتناع دارد؛ پس بر این نکته تأکید کرده که در آن روز هیچ سر و رمزی باقی نمی‌ماند و همه‌چیز عیان است.

در آن روز اسرار و عقاید مردم ظاهر و منکشف می‌شود در حالی که صفوف انبیا و ملائکه مقربین آراسته و خلائق صف در صف ایستاده‌اند و آدمی را با احوالی که در دنیا زندگی نموده و اعمالی که مشغول بوده و نیاتی که در دل داشته است، مشاهده می‌کنند (حسینی شاه‌عبدالعظیمی،

۱. لیل، ۱۲ و ۱۳.

۲. نحل، ۹.

۱۳۶۳: ۱۴/۱۴۹). مواجه شدن انسان با این شرایط در هر سطح و اندازه‌ای برای نوع انسان بسیار سخت است؛ که می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده بسیار قوی، در رعایت بسیاری از مسائل زندگی مؤثر باشد.

البته این مسئله با اصل نظارت‌مداری در علوم تربیتی نیز ارتباط تنگاتنگی دارد؛ یکی از روش‌های کارآمد در امر تربیت، نظارت بر امور متربی است. نظارت دینی، نظارتی آگاهانه و هوشیارانه است که متربی می‌داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد. چنین نظارتی می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر شخصیت و رفتار وی داشته باشد؛ بنابراین، کیفیت تأثیر نظارت بر رفتار و احوال انسان، مرهون میزان آگاهی و اعتقاد او نسبت به امر نظارت و چگونگی آن است و این امر مستلزم نوعی مراقبه و محاسبه و خودکنترلی است (مشایخی، ۱۳۸۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از مخالفت با فرمان‌های خدایی که در پیشگاه او حاضرید و زمام امور شما به دست اوست و حرکات و سکنت شما در دست قدرت اوست بترسید. اگر شما اعمالی را پنهانی یا آشکارا انجام دهید او می‌داند ... نگهبانان بزرگواری را گماشته تا هیچ حقی ضایع نگردد و بیهوده ثبت نکنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۳).

آخرت، سرای بقاست^۱؛ پس حکم اعلام‌شده نیز دوام خواهد داشت؛ از اینجاست که جاودانه بودن و خلود در بهشت و جهنم مطرح می‌شود. با تأکید بر این موضوع دو حس جاودانگی و کمال‌طلبی در انسان رشد می‌کند، با نگاه به اینکه آخرت سرای بقاست، او به فکر ابدی شدن است و در حین این ابدی شدن به دنبال یافتن بهترین جایگاه است؛ از این رو در آیات، توجه و تأکید خاصی بر این مسئله شده است. انسانی که برای زندگی چند دهه‌ای دنیا برنامه‌ریزی می‌نماید با انسانی که ابدیت را نشانه گرفته است قاعدتاً در نوع برنامه‌ریزی و زیست‌بوم با یکدیگر متفاوت هستند و برنامه و راه و روش سیر زندگی‌شان نیز بسیار از هم متفاوت خواهد بود.

قرآن کریم با تهدیدی عمومی که هیچ‌کس در قیامت از عذاب در امان نیست^۲ حس‌گریز از خطر محتمل را بیدار می‌کند، اما ممکن است بسیاری از افراد بشر، به دلیل ملموس نبودن

۱. غافر، ۳۹.

۲. غافر، ۳۳.

زندگی پس از مرگ، به این موضوع توجه نکنند؛ بنابراین برای ایمان‌آوردگان دلایلی را برمی‌شمارد؛ ابتدا ذهن مؤمنان را آماده می‌کند که بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند^۱ و با تبیین این مسئله که «کثرت» دلیل بر حقانیت نیست، فضای امنیت خاطری را برای مؤمنان در مقابل خیل عظیم کافران ایجاد می‌نماید، و در ادامه به بهره‌مندی از صبر برای تحقق وعده الهی توصیه می‌کند^۲ و با ایجاد حس امید در انسان، او را امیدوار به آموزش گناهایش می‌کند^۳ تا مؤمنان خود را تنها و بی‌پناه نپندارند و بدانند و مطمئن باشند که پشتیبانی نیز برای ایشان هست. در نتیجه برخورد با این کیفیت و برگزیدن یا برنگزیدن آن، مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند، و سعید از شقی، و مهتدی از گمراه جدا می‌شود، یکی را ترحم و دیگری را عذاب در بر می‌گیرد. عالم انسانی در عین اینکه از نظر برخورداری از نعمت‌های الهی یک عالم است و همه انسان‌ها در آن مشترک‌اند و همگان از نعمت‌های مستمر و متوالی او در طول زندگی دنیا برخوردارند، اما از لحاظ زندگی آخرت، دو سنخ موجود و دو نوع انسان‌اند؛ یکی سعید و دیگری شقی. نمودار زیر شبکه‌ای است پیوسته از آنچه بیان شد.

کیفیت برپایی	حتمیت	محبت
	زود هنگام	اصل امید
	آشکار سازی	اصل آینده‌نگری
	جزا و پاداش	اصل بازدارندگی
	داوری برپایه حق	اصل نظارت‌مداری
	سرعت در حسابرسی	اصل کمال‌طلبی
	اجرای بدون درنگ حکم	اصل منفعت‌طلبی
دوام حکم	اصل دفع خطر محتمل	

۱. غافر، ۵۹.

۲. غافر، ۷۷.

۳. غافر، ۷.

آیات شرح عاقبت بدان

قرآن کریم حذف معاد را مستلزم ظلم و بی عدالتی می شمارد و چون ظلم از سوی خداوند امکان ندارد؛ پس حذف معاد هم غیرممکن است؛ چنانچه در سوره جاثیه می فرماید: «وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۱ زیرا اگر به دنبال دنیا، آخرتی نباشد، آفرینش عبث و باطل است و دنیا به خرابی و فساد منتهی می شود: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنُجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ «آنچه پیش شماست فانی است و آنچه پیش پیش خداست باقی می ماند؛ پس آنچه در عالم هست، صورت فعلیه اش را از دست می دهد و فساد و خرابی می یابد؛ اینجاست که مسئله خلود و جاودانگی و تناسب اعمال انسان با مجازات و پاداش اخروی مطرح می شود (شعبان زاده، ۱۳۸۷).

تصویرسازی از ابتدایی ترین و اثرگذارترین راهکارها در تربیت است، قرآن کریم با تصویرسازی از عاقبت امور جهنمیان، به دنبال ایجاد رعب از عاقبتی ناخوشایند برای انسان است؛ زیرا انسانی که به معاد باورمند نیست نوعی از سبک زندگی را انتخاب می نماید که در بستر و محدوده تعاملات دنیایی تعریف شده و غایت و کمال خود را در محدوده عمر دنیایی خود تعریف می کند، اما کسی که باور به معاد و زندگی ابدی داشته باشد از این رعب و وحشت الهام می گیرد و در ترسیم راه زندگی خویش به گونه ای دیگر عمل می کند.

پس در قیامت دسته ای به نام جهنمیان هستند^۳ و عذاب، ویژگی ایشان است^۴ و علت عذابشان انکار خدا و به سخره گرفتن آیاتی بود که پیامبران آوردند؛ و در نتیجه این کار، سخت عقوبت می شوند.^۵ در ادامه، قرآن کریم با تحریک حس نوع دوستی انسان، از همراه و همیار نداشتن

۱. جاثیه، ۲۲.

۲. نحل، ۹۶.

۳. غافر، ۶.

۴. غافر، ۷.

۵. غافر، ۲۲ و ۸۳.

۶. غافر، ۴۶.

جهنمیان سخن به میان می‌آورد که ستمکاران در آن روز هیچ فریاد رس، راهنما و شفیع نمی‌دارند.^۱ در ادامه با تحریک انسان و بیداری حس دفع ضرر محتمل بیان می‌کند که بر اهل دوزخ آتش عرضه می‌شود و سخت‌ترین عذاب‌ها بر آنان اعمال خواهد شد^۲ که در پی این عذاب‌ها، درخواست کاهش عذاب می‌کنند^۳ و دست به دعا برمی‌دارند در حالی که دعای کافران تباه است^۴ و نصیب جهنمیان لعنت و سرای بد است و سرکشان از بندگی خدا، با خواری به جهنم داخل می‌شوند.^۵ امام کاظم (ع) در همین رابطه می‌فرماید: «ولا یخْلُد فی النار الا اهل الکفر و الجحود و اهل الضلاله و الشکر»؛ «خداوند جز کافر و معاند و مشرک را جاودانه در آتش نخواهد گذاشت» (سبحانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱).

قرآن کریم با تصویرسازی این مسئله و بیان لغاتی با بار معنایی و فشار روانی بالا، سعی می‌کند این حس دفع ضرر محتمل را نیز قوت کند و از کلمات شدید همچون غل، آب جوش، زنجیر، آتش و ... بهره می‌برد تا شدت و حدت این تصویرسازی دوچندان شود. «غُل‌ها به گردن جهنمیان با زنجیر می‌کشاندشان»^۶ و «در آب جوشان و آتش، فروخته می‌شوند»^۷ در پی این تصویرسازی مجدد مسئله ابدی بودن^۸ این حال را تأکید می‌نماید تا راه هرگونه توجیه و تفسیر برای انسان بسته شود و هیچ احتمالی برای رهایی خود فرض نکند.

پرواضح است انسانی که این فضا را در ذهن خود ترسیم نماید و بر آن معتقد باشد بسیاری از رفتارهای زندگی ارضی خود را تحت تأثیر این آموزه مدیریت می‌کند و سبب می‌شود تا سبکی خاص از زندگی را در پیش گیرد که در نوع خود قابل دفاع و بر اساس مبانی و اصول متقن است. نمودار زیر دسته‌بندی مطالب بیان‌شده در قالب شبکه‌ای پیوسته است.

۱. غافر، ۱۸ و ۳۳.

۲. غافر، ۴۶.

۳. غافر، ۴۹.

۴. غافر، ۵۰.

۵. غافر، ۶۰.

۶. غافر، ۷۱.

۷. غافر، ۷۲.

۸. غافر، ۷۶.

شرح عاقبت بدان	انکار خدا مسخره کردن آیات نبودن راهنما عقوبت سخت تباهی و نابودی خلود در جهنم	تصویرسازی اصل رعب اصل نوع دوستی اصل دفع ضرر محتمل اصل آینده نگری
----------------	---	--

آیات شرح عاقبت خوبان

قرآن کریم همیشه انذار را با تبشیر همراه می‌کند تا با ترسیم نمودن دو طرف قضیه، راه را برای تصمیم‌گیری انسان شفاف و نمایان سازد؛ بنابراین در پی ترسیم و تصویر جهنم و جهنمیان به بهشت و بهشتیان نیز توجه دارد.

قرآن دسته‌ای دیگر را به نام صالحان مطرح می‌کند و بهشت را به‌عنوان سرای آنان معرفی می‌نماید و به جاودانه بودنش تأکید دارد^۱ و در پی آن، کلید ورود به آن سرای سلامت را عمل صالح معرفی می‌کند^۲ و با ایجاد حسن منفعت طلبی سخن از روزی بی حساب در بهشت را به میان می‌آورد. همچنین قرآن با تأکید بر حسن نوع دوستی و حمایت در انسان به مؤمنان نوید یاری در روز قیامت می‌دهد^۳ و تأکید بر حفظ ایشان از عقوبت، آن را رحمت و کامیابی بزرگ معرفی می‌کند^۴ تا حس کمال طلبی انسان این بار در جهت تحقق آن و نه بازدارندگی از اضمحلال برانگیخته گردد؛ بر این اساس انسانی که برای رسیدن به این کمال برنامه‌ریزی می‌کند به‌واقع نوعی خاص از سبک زندگی را هدف خود قرار می‌دهد تا به‌واسطه این الگو به هدف خویش برسد؛ از این رو در بینش اهل ایمان، مرگ پایان راه نیست، بلکه آغازی دیگر است و رسیدن به نعمت‌های آن، سبک خاصی از مدیریت حیات را می‌طلبد که همان سبک

سال شانزدهم - شماره ۵۱ - زمستان ۱۳۹۸

۸. غافر، ۶.

۲. غافر، ۴۰.

۳. همان.

۴. غافر، ۵۱.

۹. غافر، ۹.

زندگی «حیات طیبه» است. نمودار زیر چکیده مطالب بیان شده را نشان می دهد.

شرح عاقبت خوبان	صالحان	اصل تبشیر
	خلود در بهشت	اصل تصویرسازی
	رحمت	اصل منفعت طلبی
	کامیابی	اصل نوع دوستی
		اصل کمال طلبی

بحث و نتیجه گیری

مسئله معاد و زنده شدن درباره انسان در جهان آخرت از امور قطعی و بلکه از ضروریات اعتقادی اسلام است، قرآن کریم به این مسئله بسیار اهمیت داده است. بدون تردید می توان گفت پس از توحید، بیشترین حجم آیات قرآن کریم درباره معاد است. این اهتمام قرآن کریم، نشان دهنده اهمیت و عظمت مسئله معاد است. حدود یک سوم از آیات سوره غافر به موضوع معاد پرداخته است. روز قیامت در این سوره با اسم های مختلفی یاد شده است که هر کدام بیانگر جلوه ای از وقایع آن روز عظیم است؛ برخی از این اسامی عبارت اند از: یوم التلاق، یوم هم بارزون، یوم الآزفة، یوم التناد، یوم تولون مدبرین، یوم تقوم الساعة، یوم قیوم الاشهداد، یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم. خداوند متعال در قرآن کریم بسیار هنرمندانه روز قیامت را به تصویر کشیده است تا باورمندی معاد و پذیرش آن برای مردم آسان تر شود؛ زیرا این باورمندی در شیوه زندگی افراد، جهان بینی و هدایت ایشان از اهمیت فراوانی برخوردار است. قرآن کریم به روشنی از زندگی پس از مرگ و جاودانگی انسان سخن می گوید، از این رو در بینش اهل ایمان، مرگ پایان راه نیست، بلکه آغازی دیگر است. اندازهای و حیانی در باب معاد و بشارت به وعده های بی انتهای الهی انسان عاقل را وامی دارد تا به کاری پردازد که در مدت کوتاه عمر با کمترین سرمایه به بالاترین سود دست یابد.

از بررسی مطالب یادشده و دقت در آنها می‌توان اصولی را استخراج نمود. طبق یافته‌های این پژوهش:

۱. آیات مربوطه در سه دسته کیفیت برپایی، شرح عاقبت بدان و شرح عاقبت خوبان قابل دسته‌بندی است.

۲. دسته نخست؛ حتمیت وقوع، آشکارسازی اسرار، جزا و پاداش، داوری بر پایه حق، سرعت بالای حسابرسی، اجرای بدون درنگ احکام صادرشده، دوام حکم و تهدید عمومی، اصل ۹ که به عنوان بنیان‌های سبک زندگی، قابل بهره‌برداری است به دست می‌آید، اصل‌های: محبت، امید، آینده‌نگری، بازدارندگی، نظارت‌مداری، کمال‌طلبی، جاودانگی، منفعت‌طلبی و دفع خطر محتمل.

۳. دسته دوم؛ آیات به شرح عاقبت بدان توجه دارد و با بیان ویژگی جهنمیان؛ از جمله عذاب، انکار خدا، سخره گرفتن آیات، عقوبت سخت، نبود راهنما و تباهی و نابودی، به اصول تصویرسازی، رعب، دفع ضرر محتمل، نوع‌دوستی و آینده‌نگری توجه داده است.

۴. آیات دسته سوم؛ با بیان ویژگی بهشتیان، همچون صالح بودن، جاودانگی، رحمت، نعمت، کامیابی، شرح عاقبت خوبان را بیان کرده و به اصولی چون تبشیر، تصویرسازی، منفعت‌طلبی، نوع‌دوستی و کمال‌طلبی اشاره نموده است.

۵. آیات قیامت سوره غافر در مجموع ۱۳ اصل را بیان می‌کند و کاربرد هرکدام از این اصول در تبیین و تدوین سبک زندگی حیات طیبه جایگاه خاص خود را دارد: اصل محبت، اصل آینده‌نگری، اصل بازدارندگی، اصل نظارت‌مداری، اصل کمال‌طلبی، اصل جاودانگی، اصل منفعت‌طلبی، اصل دفع ضرر محتمل، اصل امید، اصل تصویرسازی، اصل انذار، اصل نوع‌دوستی و اصل تبشیر.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه دکتر توحیدی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- باقری، خسرو (۱۳۶۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- جیمز، ویلیام (۱۳۶۷). دین و روان. ترجمه مهدی قائینی. قم: دارالفکر.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثناعشری. جلد ۱۴. تهران: میقات.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶). منشور عقاید امامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۷). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- شعبان‌زاده، ماهرخ (۱۳۸۷). «خلود و جاودانگی در حیات اخروی». مجله بینات. سال پانزدهم. شماره ۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. ج ۱۷. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- گیلسر، نورمن (۱۳۷۵). فلسفه دین. ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی. تهران: حکمت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت. مؤسسه الوفاء.
- مشایخی، شهاب‌الدین (۱۳۸۸). «اصول تربیت از دیدگاه اسلام». مجله حوزه و دانشگاه. شماره ۳۲.
- هوشیار، محمدباقر (۱۳۲۷). اصول آموزش و پرورش. تهران: دانشگاه تهران.